

همزیستی مسالمت آمیز با ناامیدی



صوفیا نصراللهی
روزنامه‌نگار

۱ یکی از دوستان شکایت داشت که بعد از جنگ، شرکت‌شان بسته شده و حالا بیکار مانده. بعد اشاره کرد به دوره‌ی دیگری که بین دو کارش فاصله افتاده بود و نمی‌دانست این‌بار چرا اینقدر اضطراب و ناراحتی‌اش بیشتر است. روشن‌اش کردم اول اینکه، آن ماجرای قبلی به ۱۰ سال پیش برمی‌گردد که خب جوان‌تر بوده و نیروی جوانی کافی است که آدمیزاد مصائب را بهتر تحمل کند. از آن طرف قیمت دلار، تورم و تجربه‌ی جنگ خودش کافی است تا آدمیزاد را به مفاک افسردگی بکشاند. گذشت زمانی که با خواندن یک رمان، تماشای یک فیلم یا شنیدن یک موسیقی، به خودمان لحظه‌ای آرام را هدیه می‌کردیم. درد که از حد بگذرد، مُسکن‌ها ناکارآمد می‌شوند.

بعد اوضاع جهان را هم که نگاه کنی، وضعیت بهتر نیست. مثلاً در آمریکا زندگی می‌کردم و ترامپ رئیس‌جمهور بود و تیراندازی هم وسط یک سخنرانی شلیک می‌کرد، درست وسط گلولی کرک؟ یا در اروپا بودم ولی عکس بچه‌های غزه هرروز به چشم‌ام می‌خورد و نسل‌کشی جدیدی را به‌چشم می‌دیدم؟ بیشتر کشورهای آفریقایی هم که تکلیف‌شان در بدبختی روشن است. جهان در یکی از دوره‌های دوزخی‌اش به‌سر می‌برد و این وسط سرخوش و شاد بودن به‌نظم کمی با انسانیت حتی در تضاد است. اما همه‌ی این‌ها دلیل نمی‌شود که زندگی را به‌بهترین شکل ممکن‌اش (این ممکن مهم است) ادامه نداد. اینجا ممکن یعنی چه؟ یعنی تمام تلاش‌مان را برای سلامت روان‌مان بکنیم. افسردگی تبدیل به شادی نمی‌شود. اولین قدم هم پذیرش این است که در دوره‌ی شادی زندگی نمی‌کنیم.

این به‌نظم جمله‌ای است که سر ماجرای کنسرت همایون شجریان، می‌شد به مخالفان اجرا گفت. حضور در اجرای شجریان یا حتی خوشحالی از اجرای موسیقی در میدان آزادی به‌معنای شادی نیست، مسکن هم نیست. همان‌طور که دیگر کنسرت موسیقی و سفر به من چنان که باید، نمی‌چسبد. فقط تلاشی است برای یادآوری زیبایی‌های زندگی از دریچه‌ی هنر. برای اینکه خلاقیت و انسانیت در ما کشته نشود. که همین‌ها را هم مخالفان این‌سمت و آن‌سمت تبدیل به تلاش مذبحانه می‌کنند.

۲ کار روزمره‌ی من مارکتینگ و بازاریابی است و به‌عنوان یک مشااهده‌گر می‌گویم که این روزها انگار کسی کاری به‌جز بازاریابی نمی‌کند! تولید محتوا در شبکه‌های مجازی توسط اینفلوئنسرها، بازاریابی است. شرکت‌ها دنبال مدیرفروش و بازاریابی می‌گردند. ترسم از روزی است که تعداد متخصصان بازاریابی از تولیداتی که می‌شود برایشان بازاری پیدا کرد، بیشتر شود. خیلی هم دور نیست. نه کسی دست به تولید می‌زند. نه پولی هست که پژوهش انجام شود. همه‌ی ما مصرف‌کننده‌اند یا تشویق به مصرف می‌کنند. راست‌اش این جمله‌های آقای پزشک‌های لحظه‌ی حقیقت بود، وقتی گفت که کارمند ۹ بیاید و یک برود. کاری ندارد. یعنی کاری نیست که انجام بدهد.

تلخ است اما حقیقت دارد. راست‌اش داشتم فکر می‌کردم حتی با این اوضاع بی‌برقی، بی‌آبی و هوا که سرد بشود؛ بی‌گازی، تازه پاییز که برسد و بچه‌ها به مدرسه بروند چقدر گرفتاری‌ها بیشتر می‌شود. یک‌روز در میان مدارس را برای مدیریت ناترازی انرژی باید تعطیل کرد. اصلاً چه کاری است که اول مهر مدارس باز شوند؟! دیگر تولید و پژوهش هیچ، حتی کار آموزشی هم یکن نمی‌شود کرد. واقعاً کاری نداریم. به‌جز ناامیدی باید با بیکاری هم به مسالمت برسیم!

۳ بگذارید در انتهای این یادداشت یک اثر هنری هم در رابطه با پوچی اگرستانسیال معرفی کنم که دست خالی نروید. آلبر کامو نمونه‌متفکر و نویسنده‌ای است که با پوچی زندگی به مسالمت رسیده بود و حتی در این راستا اثر هنری بزرگی مثل «بیگانه» را خلق کرد. مانی که این‌طوری شروع می‌شود: «امان امروز مرد».

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تکس: CBS

زیباترین جایزه شب

هفتاد و هفتمین دوره جوایز امی با پیام‌های سیاسی و انسانی و سنگ تمام هنرمندان برای مردم فلسطین برگزار شد



مسعود شاه‌حسینی
خبرنگار گروه فرهنگ

دیروز برندگان دوره جوایز امی معرفی شدند؛ در لس آنجلس و سالن مجلل پیکاک تئاتر و طبق معمول این‌قبل مراسم‌ها، زرق و برق و شور و هیجان و فضای شاد و تصاویر و ویدئوهایی که تا مدت‌ها بعد از حضور هنرمندان در مراسم منتشر می‌شود. امی به‌بزرگ‌ترین جشن تلویزیون معروف است و دوره هفتاد و هفتمین، دوره‌اش متفاوت‌تر از همیشه بود. قرار بود صرفاً جشنی برای تجلیل از بهترین‌های جعبه جادویی باشد. اما در عمل به‌صحنه‌ای متناقض نما اما باشکوه از ترکیب هنر و پیام هنری، به‌خصوص موضع‌گیری در برابر اتفاقاتی که در جهان رخ می‌دهد، تبدیل شد. آیین‌های تمام‌نما از زمانه‌ای که در آن به‌سر می‌بریم. دیشب مراسم امی مملو از تناقضات شکوهمند بود؛ از یک‌سو، صدای خنده‌هایی که با طنز گزنده سریال «استودیو» بلند می‌شد و از آن طرف هم سکوت سنگینی که سریال «نوجوانی» به سالن آورد. یک‌طرفه‌اشک‌های شوق برندگان جوایز و کسب موفقیت‌هایشان بر گونه‌هایشان جاری می‌شد و از سوی دیگر، فریادهای خشم‌آمیز و بیانی‌های سیاسی به‌ویژه در حمایت از فلسطین. این‌ها برای جشنواره‌ای که محافظه‌کاری هالیوودی در بنیان و بنیادش نهاده شده، تازه و غیر منتظره بود.

▼ سلطنت «استودیو» و تاریخ‌سازی «نوجوانی»

در ژانر درام، در حالی که همه نگاه‌ها به سریال «جداسازی» (Severance) دوخته شده بود که با ۲۷ نامزدی، پیش‌نما: مطلق بود، سریال درام پزشکی «چاله» (The Pitt) محصول شبکه HBO، جایزه اصلی را از آن خود کرد. جایزه بهترین بازیگر مرد و زن نیز به همین سریال و بازیگران آن یعنی: نوآویل و دبیرت لاور رسید. ترامل تیلمن نیز در شاخه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برگزیده شد و نام خود را به‌عنوان اولین بازیگر مرد سیاه‌پوست، برنده جایزه درام در تاریخ ۷۷ ساله امی ثبت کرد. در بخش کمدی، همانطور که انتظار می‌رفت، سریال تحسین‌شده شبکه ایل تی وی پلاس، «استودیو» بود که شب باشکوه‌ای اسپری کرد. این سریال که با نگاهی تیزبینانه و هجوآمیز به پشت پرده روابط قدرت، جلسات بی‌پایان و تصمیمات مدیران هالیوود می‌پردازد، در بخش‌های مختلفی مانند جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد برای ست روگن، جایزه بهترین بازیگر مرد میهمان برای برائان کراستون و در کل با کسب ۱۳ جایزه، به‌سهامی از رکودها را شکست و سلطنت خود را بر دنیای کمدی تثبیت کرد. در همین بخش، جین اسمارت برای سومین بار جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد و هانا اینباینر نیز برای اولین بار، جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن را به‌خانه برد.

در دسته سریال کوتاه، درام جنایی «نوجوانی» با معرفی یک استعداد جوان و درخشان، تاریخ‌ساز شد. این سریال که محصول نتفلیکس است، با تکنیک فیلمبرداری تک‌برداشت و داستانی تکان‌دهنده که درباره فرهنگ آنلاین «اینسل» دارد، بحث‌های مهمی درباره سلامت روانی نوجوانان و خطرات فضای مجازی به‌راه انداخت و بسیار دیده شد. این سریال تقریباً تمام جوایز اصلی را درو کرد؛ مثل جوایز بهترین سریال کوتاه، بهترین بازیگر نقش اول مرد برای استیون گراهام، بهترین نویسندگی و بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر نقش مکمل برای اوون کوپر ۱۵ ساله. سریالی که بلافاصله پس از پخش، به‌پدیده‌ای فرهنگی تبدیل شد که بحث‌های مهمی را در سطح جامعه درباره سلامت روان نوجوانان و خطرات فضای مجازی به‌راه انداخت.

▼ چغیه سرخ مقاومت

در امی هفتاد و هفتم هیچ کدام از جایزه‌ها و نام‌ها، به اندازه پیام‌های سیاسی، توجه‌ها را جلب نکرد. شاید در سال‌های آینده، وقتی به امی ۲۰۲۵ نگاه می‌کنیم، بیش از فهرست برندگان، حجم و صراحت کم‌سابقه هنرمندان و کنشگری سیاسی‌شان در حمایت از مردم فلسطین را به‌یاد آوریم. در شرایطی که بحران انسانی در غزه به یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های قرن تبدیل شده بود، هنرمندان در امی امسال با روش‌هایی خلاقانه، همبستگی‌شان با مردم فلسطین را با جهانپان در میان گذاشتند. یکی از اولین و قدرتمندترین پیام‌ها را خاویر باردم داد که پیش از آغاز رسمی مراسم، با چغیه‌ای دور گردن، روی فرش قرمز ظاهر

شد. این بازیگر سرشناس اسپانیایی که ۱۱ سال پیش هم نامه‌ای در حمایت از مردم غزه نوشته بود و وعده‌ای از سینماگران او را به یهودستیزی متهم کرده بودند، این بار و در لس آنجلس با نشریه‌ورایتی مصاحبه کرد و قاطعانه گفت: «من اینجا هستم تا نسل‌کشی در غزه را محکوم کنم. من نمی‌توانم با کسی کار کنم که این نسل‌کشی را توجیه می‌کند یا از آن حمایت می‌کند.» باردم به بیانیه کارگران سینما برای فلسطین نیز اشاره کرد؛ نامه‌ای سرگشاده که گفته می‌شود تا پیش از مراسم حدود ۴۰۰۰ نفر از بازیگران، نویسندگان و کارگردانان سینمایی آن را امضاء کرده‌اند و متعهد شده‌اند با نهادهای و شرکت‌های فیلمسازی اسرائیلی مشارکت‌کننده در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین، همکاری نکنند.

▼ فراتر از یک جایزه

سیاسی‌ترین و جنجالی‌ترین لحظه شب، هنگام سخنرانی هانا اینباینر پس از دریافت جایزه‌اش، رقم خورد. این بازیگر در حالی که سنجاق سینه کوچک «آتش‌پس» را بر لباس‌اش داشت، صحبت‌های خود را با جمله‌ای به پایان برد که هرچند بخشی از آن به‌دلیل استفاده از کلمات نامناسب توسط پخش‌کننده تلویزیونی سانسور شد، اما عبارت «فلسطین را آزاد کنید»، شنیده شد. اینباینر بعداً در پشت صحنه و در مواجهه با خبرنگاران، درباره بخش پایانی سخنانش توضیح داد: «این وظیفه من به‌عنوان یک فرد یهودی است که میان یهودیان و دولت اسرائیل تمایز قائل شوم. دین و فرهنگ ما... از این دولت قوم‌گرای ملی‌گرا جداست.» این کنشگری‌ها صرفاً به دی‌بانیه فردی محدود نشد. حضور نمادهایی مانند چغیه، سنجاق سینه و روبان‌های در خواست آتش‌بس، در میان بسیاری از شرکت‌کنندگان دیگر نیز دیده می‌شد. ستارگان دیگری مانند روث‌گنا، کریس پرفتی و ایملی لو وود هم سنجاق سینه‌های آتش‌بس را پوشیدند و برخی مانند مگان استالتر، کیفی با نوشته آتش‌بس با خودش حمل می‌کرد. تحرکاتی که نشان می‌دهد حساسیت نسبت به بحران فلسطین در بخشی از بدنه هالیوود از هر زمان دیگری بیشتر است. گرچه این اتفاقات واکنش‌هایی را نیز در پی داشت. چندروز پیش از مراسم، در پاسخ به بیانیه کارگردانان، استودیوی پارامونت بیانی‌های صادر و مخالفت خود را با تحریم هنرمندان اسرائیلی اعلام کرد.

▼ حواشی و لحظات به یادماندنی دیگر

فراتر از جوایز و سیاست، امی هفتاد و هفتم لحظات خاطره‌انگیز دیگری نیز داشت. یکی از احساسی‌ترین لحظات شب، پیروزی برنامه آشوی آخر شب با استیون کلبر» در شاخه بهترین برنامه گفت‌وگو محور بود. برنامه‌ای که زندگی پیش‌خبر لغو آن، پس از سال‌ها بخش و بدلایل سیاسی، اعلام شده بود. یکی از هوشمندانه‌ترین لحظات شب، متعلق به بریت لاور بود. او پس از سخنرانی خود، برگه‌ای را که از روی آن تشکرهایش را می‌خواند، به‌سمت دوربین برگرداند. در پشت برگه با خطی خوانا نوشته شده بود: «بگذارید بیرون بروم.» این ارجاع مستقیم و خلاقانه به شخصیت‌اش در سریال که در یک محیط کاری جهنمی گیر افتاده است، تحسین حضار و کاربران شبکه‌های اجتماعی را برانگیخت و نشان داد که چگونه یک هنرمند می‌تواند حتی در لحظه دریافت جایزه نیز در دنیای هنری اثرش، باقی بماند. لحظات احساسی نیز کم نبودند. سخنرانی اشک‌آلود ترامل تیلمن و تشکر از مادرش به‌عنوان اولین مربی بازیگری‌اش تشکر کرد، تا ادای دین به تاریخ تلویزیون با حضور بازیگران سریال‌های کلاسیک، یادآور قدرت نوشتاری و تأثیر ماندگار این رسانه بر نسل‌های مختلف بود.

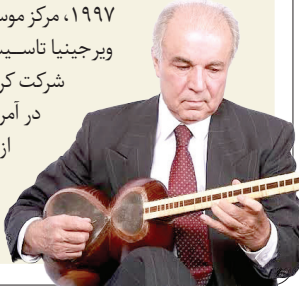
▼ قدرت تصویر، صدای اعتراض

در شب هفتاد و هفتمین دوره جوایز امی، هنر و سیاست به‌شکلی جدایی‌ناپذیر درهم تنیده شدند. رویدادی که از یک سرگرمی صرف، به سند تاریخی تبدیل شد که نشان می‌دهد، هنر حتی در پرزرق‌وبرق‌ترین نوع‌اش، نمی‌تواند و نباید در برابر دغدغه‌های انسانیت در جهانی شتابان و پرتلاطم سکوت کند. چگونگی آن را هنرمندان در امی نشان دادند. با هجوکردن سیاست‌ها، فریادزن برای فلسطین، پناه‌دادن به مهاجران و امیدادن به جوانان. این رویداد نشان داد که تلویزیون به‌عنوان یک رسانه، نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای انعکاس و خلق کردن به‌ویژه به‌چالش کشیدن سیاست‌هایی که قلب جهانپان را به‌در آورده، همچنان قدرت دارد. در سال ۲۰۲۵ بعد از کن، ونیز و حالا امی، رویدادها یادآوری کرد که هنرمندان، نگهبانان روح جامعه‌اند و این، زیباترین جایزه شب بود.

چهره

مجلس افروزی رفت

نادر مجد؛ اقتصاددان، موسیقی‌دان، شاعر و نویسنده، روز یکشنبه ۲۳ شهریورماه ۱۴۰۴ در سن ۸۰ سالگی، در خواب و در واشنگتن آمریکا درگذشت. مجد، اهل ساری مازندران بود و از کودکی به آموختن سنتور و ویولن پرداخت. پدر و عمو نیز به مجد، تار و سه‌تار آموختند و او در ۱۰ سالگی نواختن کمانچه را نیز آغاز کرد. با این‌همه در ۲۷ سالگی به آمریکا مهاجرت کرد و در تمام این سال‌ها در واشنگتن زندگی کرد. خودش جایی گفته بود، از همان زمان واشنگتن را همچون ساری دیده بود؛ شهری سرسبز و پر از درخت، با هوایی مرطوب و دلچسب. البته ته ذهن‌اش همیشه ایران می‌درخشیده است اما گویی به مصداق شعر معروف سهراب سپهری، پاهای مجد نیز در «قبر شب» غربت، گیر کرده بود. مجد در سال ۱۹۹۷، مرکز موسیقی سنتی ایران را در شهر وینای ویر جینیا تأسیس کرد، در کنسرت‌های بسیار شرکت کرد و در رادیو و تلویزیون‌های ایرانی در آمریکا برنامه‌های موسیقی داشت. از مجد، دو کتاب «مجلس افروز» و «زان یار دل‌نواز» نیز به‌یادگار مانده است.



کتابخانه

نیوتن در برابر دکارت

نیوتن را یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین دانشمندان کل تاریخ بشریت می‌دانند. کتاب او «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» که برای نخستین بار در سال ۱۶۸۷ منتشر شد، مبانی مکانیک کلاسیک را بنا نهاد. همچنین او سهم بزرگی در نورشناسی ایفا کرد. او و گوتفرید لایبنیتس، به‌طور هم‌زمان و مستقل حساب دیفرانسیل و انتگرال را ایجاد کردند. با این‌همه شاید اینکه او را فیلسوف بخوانند، برای بسیاری غریب بنماید. اما این کاری است که نویسنده این کتاب، که خود استاد یار بخش فلسفه دانشگاه دوک است، بدان اعتقاد دارد؛

بنابراین مدعی است نیوتن جدا از تخصص در فیزیک، ریاضیات و الهیات، دیدگاه‌های فلسفی یگانه‌ای هم داشته است و در ابتدای دهه ۷۰ قرن هفدهم در مقابل نظرات فلسفی دکارتی قد علم کرده بود. جانیک هنگامی به بررسی اندیشه‌های فلسفی نیوتن علاقه‌مند شد که به مطالعه نامه‌های لایبنیتس و ساموئل کلارک پرداخت. او پس از اتمام پایان‌نامه‌اش زیر عنوان نیوتن گرایی کانت، کتاب «نیوتن فیلسوف» را نوشت تا جنبه‌های تازه‌ای از شخصیت و ذهنیت او را نمایان کند.



نام کتاب:

نیوتن فیلسوف

نویسنده:

آندرو جانیک

ترجمه:

سعید جعفری

انتشارات:

نیلوفر

تاریخ

زمین لرزه طبس



زمین‌لرزه طبس، زمین‌لرزه‌ای با شدت ۷/۸ ریشتر بود که در ساعت ۱۹:۳۶ روز شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۷ و در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داد و شهر طبس و

روستاهای مجاور آن را ویران کرد. این زمین‌لرزه، قدرتمندترین زلزله‌ای است که تا به حال در تاریخ ایران ثبت شده است. کشته‌های این زلزله طبق آمارهای رسمی، ۶۳۶۶ نفر اعلام شد اما برخی آمار غیررسمی، این رقم را حتی تا ۲۵ هزار نفر نیز تخمین زدند. این زلزله مهیب، طبس و روستاهای بخش مرکزی آن را تا شعاع ۳۰ کیلومتری تخریب کرد. کانون زلزله در نزدیکی کریت بود و خرابی‌ها از دیهوک در جنوب شرق تا اصفهک، سپس شهر طبس گسترش می‌یافت و زمین در کسری از ثانیه خانه‌های قدیمی، کاهگلی، کم‌مقاوم و سازه‌های غیرمقاوم طبس و صاحبان آنها را بلعید و شهر تاریخی طبس با قدمت بیش از یک‌هزار سال، به کلی ویران شد. بنا به شواهد موجود، پس از رخداد زلزله اثری از این شهر زیبای تاریخی حاشیه کویر مرکزی ایران باقی نماند و مسجد دومنار، مسجد جامع و ارگ طبس همگی با خاک یکسان شدند.